مکث

سردار احمدی‌مقدم مطرح کرد:

۳۸۰ اسیدپاشی در ۶ ماهه اول سال

شهروند| آخرین آمار اسیدپاشی در ۶ ماه سال جاری ۳۸۰ مورد در کل کشور اعلام شد. این آمار شامل اسیدپاشی به اشخاص، اموال و اشیا بوده که با انگیزه‌هایی متفاوت به‌وقوع پیوسته‌است.

چند سالی است که مردم کینه‌های شخصی، خشم و انتقام را در قالب رفتارهای ناهنجار در سطح جامعه به نمایش می‌گذارند. رفتاری ضد اخلاقی که گاهی صدمات جبران‌ناپذیری را به همراه دارد. حالا اما با پر رنگ شدن قانون حمایت از جنایت‌های اسیدپاشی و همچنین تشدید اشد مجازات برای مرتکبان این جنایت هولناک، انتظار می‌رود روند این رفتار غیرعادی در سطح جامعه کم‌رنگ‌تر شود. با این حال سردار اسماعیل احمدی‌مقدم صبح چهارشنبه در حاشیه همایش ارتقای سلامت اداری در نیروی انتظامی/آماری رسمی از اسیدپاشی را از ابتدای سال تاکنون اعلام کرد و گفت: «اسیدپاشی علیه اموال مردم، اشخاص و موارد دیگر پیش از این در کشور نیز وجود داشته است ولی حادثه اصفهان به دلیل این که وسعت رسانه‌ای یافت، به چشم آمد درحالی که از ابتدای سال ۳۸۰ مورد از تکاب اسیدپاشی به وقوع پیوسته که بسیاری از آنها علت‌های انتقامی و روانی داشته‌است.»

روند پرونده اسیدپاشی در اصفهان

در حالی که با گذشت حدود ۲ ماه از اولین اسیدپاشی در اصفهان، عامل این جنایت هنوز دستگیر نشده و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد، سردار احمدی‌مقدم در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر این که چرا تصاویری در این رابطه چهره‌نگاری نشده و در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته‌است، گفت: «برخی معتقدند که چرا موضوع چهره‌نگاری متهمان در سطح رسانه‌ها مطرح نشده درحالی که قاضی باید این مسأله را تشخیص دهد و روش‌های پلیسی نیز نیازی به این مسأله نمی‌بیند.»

بی‌اطلاعی رئیس پلیس کشور از حادثه قلعه‌گنج

۲۸ مهر ماه بود که ۳ دانش‌آموز پسر وقتی برای رفتن از مسیر مدرسه به خانه سوار یک وانت پیکان شدند در حادثه‌ای تلخ به کام مرگ فرو رفتند. همان زمان تحقیقات درباره علت این تصادف مرگبار تعقیب و گریز پلیس راهور و راننده وانت گزارش شد. با این حال سرهنگ «ادامولا آبکا» در رابطه با این حادثه گفت: «تعقیب پلیس منجر به بروز این حادثه نشده بود و درواقع هیچ تعقیب و گریزی توسط پلیس راه صورت نگرفت بلکه راننده وانت پیکان که فاقد گواهینامه بوده، هنگام رانندگی با تلفن همراه صحبت می‌کرده که به محض مشاهده خودروی پلیس اقدام به فرار می‌کند و در نتیجه منجر به بروز این حادثه می‌شود.» در همین رابطه سردار احمدی‌مقدم در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر حادثه تعقیب و گریز پلیس راهور در منطقه قلعه‌گنج، گفت: «از این موضوع اطلاعی ندارم و اگر اقدامی خلاف مقررات توسط پلیس راهور انجام گرفته باشد آن را بررسی می‌کنیم. براساس قانون، پلیس راهور نیز می‌تواند در صورت نیاز و صلاحدید، تعقیب و گریز نظامی انجام دهد ولی باید این موضوع و حادثه آن بررسی و نیت مشخص شود.»

طرح امنیت اجتماعی در مناطق جرم‌خیز

طرح امنیت اجتماعی همچون گذشته در نیمه دوم سال ادامه خواهد داشت و پلیس، ضمن رصد جرایم و ناهنجاری‌ها هر جا که فراوانی بیشتری باشد، تمرکز می‌یابد. سردار احمدی‌مقدم در رابطه با مبارزه با جرم در سطح کشور بیان داشت: «نیروی انتظامی دستگاه مبارزه با فساد و جرم است و از زمانی که بنده به نیروی انتظامی آمدم تلاش کردیم اقدامی سازمان‌یافته‌تر در این رابطه انجام دهیم. از نخبگان نیز جهت جلب مشارکت درخواست همکاری داشته‌ایم و این موضوع را در دید آنها نیز مورد بررسی قرار داده‌ایم.» به گفته رئیس پلیس کشور، در سال ۸۳ هزار و ۲۰۰ پرونده در رابطه با جرایم و تخلفات سازمانی رسیدگی شد و دهها نفر اخراج و معاف از خدمت شدند. این در حالی است که در ۶ ماهه امسال میزان پرونده‌ها در این رابطه به‌طور چشمگیری کاهش یافته و به نظر می‌رسد تا پایان سال جرایم و تخلفات سازمانی در نیروی انتظامی ۳۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال پیش کاهش یابد.

واکنش به عروسی افغان‌ها در ماه محرم

اتباع خارجی که در جریان روزهای عزاداری شیعیان در شهرری تهران مراسم عروسی برگزار کرده‌بودند در شیخون پلیسی دستگیر شدند. سه روز بعد از عاشورا، تعدادی از اتباع کشور افغانستان دریک مکان متروکه در شهر ری اقدام به برپایی جشن دامادی یکی از همشهریان خود به نام سلیم کرده‌بودند. وقتی صدای ساز، عواطف مردم و عزاداران امام حسین(ع) را جریحه‌دار کرد بلافاصله نیروی انتظامی و بسیجیان در محل حضور یافتند و با مدیریت فرماندار شهر ری و دادستان استان وارد عمل شدند. در این عملیات حدود ۶۲ نفر از تبعه‌های افغان دستگیر و به‌همراه دو گاه‌مراقبتی استان تهران منتقل شدند. سردار احمدی‌مقدم در رابطه با حادثه شهر ری در هفته گذشته، گفت: «پرسانه‌های بیگانه سعی داشتند این مسأله را اهانت اهل سنت به شیعیان و اختلاف شیعه و سنی جلوه دهند در صورتی که این مسأله مردود است. بخشی از اتباع بیگانه، افغانی‌های غیرمجاز بوده که برای جشن نامزدی یکی از اقوام شرکت کرده‌بودند. این افراد به خاطر احترام به اهل شیعه، این جشن را به بعد از مراسم عاشورا موکول کرده بودند البته ناجا مانع تنش میان اتباع افغانی و هموطنان ایرانی شد.»

با اهدای اعضای پسر جوان در رفسنجان ۳ بیمار زندگی دوباره یافتند

لبخند ۳ بیمار با اهدای عضو «حسین»

حسین فتاحی

شهروند| پیرمرد از پشت شیشه اتاق آی‌سی‌یو به پسرش که روی تخت بیمارستان آرام گرفته بود نگاه می‌کرد. قطرات اشک از گوشه چشمانش جاری شده بود. پزشکان دیگر امیدی به بازگشت فرزند او نداشتند. او باید رضایت می‌داد تا اعضای فرزندش اهدا شود تا چند بیمار نیازمند فرصت تازه‌ای را برای ادامه زندگی پیدا کنند. با رضایت خانواده پسر جوان اعضای بدن او اهدا شد و ۳ بیمار نیازمند زندگی دوباره‌ای هدیه گرفتند.

چند روزی تا آغاز ماه محرم باقی مانده بود و حسین فتاحی پسر ۲۳ ساله اهل رفسنجان با دوستانش قرار گذاشتند تا هر شب برای سوگواری امام حسین (ع) به مسجد محله بروند. در یکی از همین شب‌ها بود که حادثه‌ای تلخ رخ داد و حسین قربانی یک تصادف مرگبار شد.

ماجرای این تصادف در یکی از شب‌های آخرین روزهای مهرماه امسال رخ داد. ساعت چند دقیقه‌ای از ۹ شب گذشته بود که حسین بعد از این که با کمک دوستانش پارچه‌های سیاه‌رنگ را برای عزاداری محرم در مسجد نصب کردند برای رفتن به خانه آماده شد. حسین سوار موتورسیکلش شد و به راه افتاد. در تاریکی شب ناگهان یکی از دوستانش را دید که در مقابلش ایستاده بود. حسین با دیدن دوستش تمام تلاش خود را کرد تا با او برخورد نکند و در همین لحظه بود که پسر جوان با موتورسیکلت به زمین برخورد کرد و حسین از روی موتور پرت شد.

پسر جوان بی‌هوش روی زمین افتاده بود و هیچ حرکتی نمی‌کرد. ماجرای حادثه به سامانه ۱۱۵ اورژانس گزارش داده شد. وقتی تکنسین‌های اورژانس به محل حادثه رسیدند حسین را بلافاصله به بیمارستان علی ابن ابی طالب رفسنجان منتقل کردند.

پس از انتقال حسین به بیمارستان، خانواده‌اش در جریان این حادثه قرار گرفتند. غلام‌رضا فتاحی پدر حسین درباره این حادثه به «شهروند» گفت: وقتی شنیدم حسین در بیمارستان بستری است به سرعت خود را به بیمارستان رساندم.

وارد اورژانس شدم و سراغ پسرم را گرفتم. پزشک بیمارستان گفت: متاسفانه حسین به خاطر برخورد سرش با زمین در ناحیه جمجمه دچار شکستگی شده‌است و باید هرچه سریع‌تر عمل شود. ساعت ۱۱ شب بود که حسین را به اتاق عمل بردند و عملش تا ساعت ۴ صبح طول کشید. در تمام این مدت فقط دعا می‌کردیم تا او حالش خوب شود. وقتی پزشک از اتاق عمل بیرون آمد و درباره وضع حسین از او پرسیدیم سری به نشانه تاسف تکان داد و گفت هرکاری از دستشان برآمده برایش انجام داده‌اند و از این جابه‌بعد فقط باید برایش دعا کرد.

طبق نظر پزشکان بیمارستان، حسین به خاطر ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود به کما رفته بود و تنها باید امیدوار بود تا معجزه‌ای رخ دهد تا او از کما خارج شده و وضعیتش روبه بهبودی برود.

فتاحی پدر حسین می‌گوید: او عاشق امام حسین(ع) بود و در تمام مراسم عزاداری‌های محرم شرکت می‌کرد و هر کاری از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد او را به امام حسین سپردم و از ایشان خواستم تا اگر صلاح است شفای پسرم را بدهد.

یک هفته گذشت اما هیچ تغییری در وضع پسر جوان مشاهده نشد و این یعنی این که او دچار مرگ مغزی شده‌بود. باید اعضایش به بیماران نیازمندی که در لیست انتظار بودند اهدا می‌شد.

پدر حسین می‌گوید: یک روز که در بیمارستان بودم پزشک متخصص من را به اتاقش دعوت کرد. پزشک ادعا داشت که متاسفانه دیگر امیدی به زنده ماندن پسرم نیست و اگر دستگاه‌ها را از او جدا کنند خواهد مرد. پزشک به من گفت که حسین دچار مرگ مغزی شده و بهتر است تا با اهدای اعضای او چند بیمار برای ادامه زندگی فرصتی دوباره پیدا کنند. به‌خاطر دارم که چند وقت پیش وقتی در تلویزیون نشان داد یک بازیکن فوتبال مشکل کلیوی پیدا کرده بود و باید هرچه سریع‌تر پیوند کلیه انجام می‌داد حسین گفت کاش می‌شد من به او کلیه بدهم. به همین خاطر رضایت خودم را اعلام کردم.

این پدر داغدیده در ادامه افزود: وقتی برای آخرین بار حسین را دیدم آرامشی در چهره‌اش بود که مطمئن شدم تصمیمی که گرفتم درست است.

وداع تلخ با پدر

با رضایت خانواده حسین اعضای بدن او اهدا شد تا ۳ بیمار عمر تازه‌ای پیدا کنند اما خانواده فتاحی تنها خانواده‌ای نبودند که در شهر رفسنجان با اعلام رضایت حاضر شدند اعضای بدن عزیزشان را به چند بیمار نیازمند بپردازند. چند روز پس از عمل پیوند اعضای حسین مرد میانسالی به نام عباس آیین نیز در کلیه حادثه راننده‌ای دچار مرگ مغزی شده بود، خانواده‌اش رضایت دادند تا اعضای بدنش به بیماران نیازمند پیوند زده‌شود.

عباس آیین

حسین آیین فرزند بزرگ عباس از حادثه‌ای که باعث مرگ پدرش شده به «شهروند» گفت: بعدازظهر روز حادثه قرار بود در خانه مراسم جشنی برگزار شود به همین خاطر پدرم از خانه خارج شد تا کارهای مراسم را انجام دهد. ساعت ۱۰ صبح بود که پدرم از خانه خارج شد تا به دنبال کارها برود اما هنوز نیم‌ساعتی از رفتن پدرم نگذشته بود که خودروی وانت پدرم با یک خودروی وانت دیگر تصادف کرده است و متاسفانه در این حادثه ۳ نفر جان باخته‌اند و پدرم به خاطر ضربه شدیدی که به سرش وارد شده به بیمارستان علی ابن ابی طالب رفسنجان منتقل شده است. وی در ادامه می‌گوید: وقتی به بیمارستان رفتیم پدرم را به اتاق عمل برده بودند. پس از چند ساعت که عمل تمام شد پزشک گفت: به خاطر ضربه شدید به سرش به کما رفته است و باید دعا کنیم تا به هوش بیاید در غیراینصورت دچار مرگ مغزی می‌شود. عباس به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد و خانواده او دست به دعا شدند تا هرچه سریع‌تر بدرشان سلامتی‌اش را به دست آورد و به هوش بیاید اما سرنوشت چیز دیگری را برای این مرد میانسال نوشته بود. پس از گذشت چند روز وقتی پزشکان متوجه شدند هیچ تغییری در ضرب هوشیاری عباس ایجاد نشده است مرگ مغزی وی را اعلام کردند و به خانواده او پیشنهاد دادند تا اعضای بدنش را اهدا کنند. حسین آیین در ادامه می‌گوید: وقتی در جریان مرگ مغزی پدرم قرار گرفتم شوکه شدم. نمی‌توانستم باور کنم به همین راحتی پدرمان را از دست داده‌ایم. وقتی باورمان شد که دیگر امیدی به بازگشت پدرمان به خانه نیست همه خانواده قبول کردیم تا با اعلام رضایتمان اعضای بدن پدرمان را به بیماران نیازمند پیوند بزنند. دکتر کاظمیان رئیس واحد فراهم‌آوری پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی رفسنجان در این باره می‌گوید: خانواده آیین برای پیوند اعضای بدن پدرشان خیلی تلاش کردند و انصافا سنگ تمام گذاشتند. حتی مرحوم برای انجام پیوند به اتاق عمل فرستاده شد اما متاسفانه به دلایل پزشکی مشخص شد اندام‌های وی قابلیت اهدا را ندارد.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز در گفت‌وگو با «شهروند» اعلام کرد

غافلگیری شبکه آدم‌ربایی در «قلعه حسن خان»

جزئیات ۳ مورد گروگانگیری در بازجویی‌های پلیسی فاش شد

شهروند| مردان تبهکار که ۳ آدم‌ربایی در پرونده‌شان ثبت کرده بودند، در پاتوق سیاهشان زمینگیر شدند. این مردان وقتی در عملیات غافلگیرانه پلیس به دام افتادند، نمی‌دانستند راز ۲ آدم‌ربایی شان که در تهران و ملارد به مرحله اجرا گذاشته‌بودند، در تحقیقات پلیسی لو می‌رود.

وقتی مهرماه سال جاری کارآگاهان اداره آگاهی استان البرز در جریان ماجرای یک گروگانگیری قرار گرفتند بلافاصله دست به کار شده و توانستند در اقدامی سریع آدم‌ربایان را دستگیر کنند. وقتی کارآگاهان هر ۳ متهم را تحت بازجویی‌های کارشناسانه قرار دادند پرده از راز آدم‌ربایی‌های سریالی مردان تبهکار برداشته شد. مردان تبهکار سوژه‌های خود را از بین فروشندگان باغ و ملک انتخاب می‌کردند و با گروگان گرفتن افراد برای آزادی‌شان درخواست پول میلیونی می‌کردند.

آغاز یک پرونده گروگانگیری

ماجرای دستگیری این باند ۳ نفره آدم‌ربایی توسط کارآگاهان خبره اداره آگاهی استان البرز به آخرین آدم‌ربایی آنها در آبان‌ماه سال جاری برمی‌گردد. مهدی با کمک برادر و برادرزاده‌اش مردی ۶۰ ساله را به نام یوسف در دهقان و بلاکرج ربودند و از خانواده‌شان درخواست ۵۰ میلیون تومان پول کردند.

سرهنگ حمیدرضا گل‌صباحی در این‌باره به «شهروند» گفت: «ظهر ۴مهرماه بود که مردی هراسان وارد کلانتری ۴۶ دهقان و بلاکرج شد و از ناپدید شدن برادرش به نام یوسف که ۵۴ سال داشت خبر داد. مرد جوان به مأموران گفت برادرش ظهر دیروز با خودروی ۲۰۶ خود از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است. در این مدت هرچه با تلفن همراه او تماس گرفته‌اند خاموش بوده تا این که صبح ۹ مهرماه مردی با خانواده برادرش تماس گرفته و برای آزادی یوسف درخواست ۵۰ میلیون تومان کرده است.» وی در ادامه می‌گوید: «با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله دستور دادیم تا با تیم ویژه از کارآگاهان مجرب، پرونده را تحت بررسی قرار دهند تا ردپایی از آدم‌ربا و همدستان احتمالی‌اش به دست آوریم. این درحالی بود که شماره گروگانگیران قابل ردیابی نبود و این موضوع، کار را برای کارآگاهان سخت‌تر کرده بود.» طبق تحقیقات پلیس، یوسف به صورت مشارکتی در حال ساخت یک مجتمع ۲۰ واحدی در یکی از مناطق غربی استان البرز بود. وقتی کارآگاهان از کارگران ساختمانی پرس‌وجو کردند مشخص شد روز ۸ آبان یوسف با مرد جوانی که دستش در گچ بوده به ساختمان آمده و پس از مدتی با یکدیگر خارج شدند.

مرد دست‌شکسته آخرین فردی بود که با یوسف دیده شده بود. همزمان با پیدا شدن خودروی ۲۰۶ یوسف در یکی از خیابان‌های کرج، مأموران باخبر شدند مردی با استفاده از عابربانک وی حدود ۲۰ میلیون طلا و سکه از یک طلافروشی در کرج خریداری کرده است. بلافاصله تیمی از کارآگاهان مأموریت یافتند تا با مراجعه به طلافروشی فرد خریدار را شناسایی کنند. مأموران در بازبینی فیلم‌های ضبط‌شده طلافروشی توانستند، مهدی همان مرد جوانی را که آخرین بار با یوسف دیده شده بود، رصد کنند. این درحالی بود که گروگانگیران چندین‌بار با خانواده یوسف تماس گرفته و تهدید کرده‌بودند اگر به خواسته‌شان جامه عمل نپوشانند گروگان را خواهند کشت. گل‌صباحی در ادامه گفت: «با شناسایی مهدی کارآگاهان توانستند یک واحد آپارتمان را در محدوده غرب استان البرز شناسایی کنند. وقتی مأموران خود را به پاتوق این مرد رساندند یوسف را دیدند که دست و پایش را بسته بودند اما متأسفانه از آدم‌ربایان هیچ اثری نبود.» رئیس پلیس آگاهی استان البرز اضافه می‌کند: «پس از آزادی گروگان تحقیقات برای شناسایی اعضای باند آدم‌ربا آغاز شد. تحقیقات ابتدایی حاکی از آن بود که مهدی با کمک برادر و برادرزاده‌اش اقدام به گروگانگیری کرده است و پس از لو رفتن مخفیگاه‌شان به همشهری غربی کشور متواری شده‌اند. سرانجام با تلاش کارآگاهان مخفیگاه مهدی و دو همدستش در منطقه قلعه‌حسن‌خان تهران شناسایی شد و طی یک اقدام پلیسی دستگیر شدند. کارآگاهان توانستند در بازرسی از محل زندگی مهدی طلاهای خریداری شده و همچنین عابربانک یوسف را هم پیدا کنند.»

اما ماجرا به همین جا ختم نشده و هنوز مدتی از دستگیری ۳ مرد آدم‌ربا نگذشته‌بود که زوایای دیگری از این پرونده روشن شد و پرده از راز دو آدم‌ربایی دیگر که این باند تبهکار انجام داده بود برداشته شد.

سرهنگ گل‌صباحی در این‌باره گفت: «مهدی سردسته این باند تبهکار در اعترافات خود از ۲ آدم‌ربایی دیگر گفت. اولین آدم‌ربایی مردان تبهکار در آخرین روز از فروردین‌ماه سال جاری رخ داده بود. این گروه از تبهکاران مردی ۷۰ ساله را به نام ابوالفضل ربوده‌بودند تا پول میلیونی به جیب بزنند.»

وی افزود: «پیرمرد که در شمال غرب تهران ساکن بود باغش را در روزنامه‌ها آگهی کرده بود. او با درج آدرس باغ مورد نظر قصد فروش باغ را داشت. متهمان پس از رویت آگهی با فرد فروشنده تماس گرفتند و پس از معرفی کردن خود به نام خریدار در بنگاهی در نزدیکی باغ قرار گذاشته بودند اما متهمان با مهارت، قبل از ورود به بنگاه با فرد فروشنده ملاقات کرده و با وی راهی باغ شدند.»

رئیس پلیس آگاهی استان البرز در ادامه به «شهروند» گفت: «با توجه به این که این باغ از قبل مورد شناسایی متهمان قرار گرفته بود برادر و برادرزاده مهدی در باغ کمین کرده بودند و وقتی مهدی به همراه پیرمرد وارد باغ شدند، وی را کتک زدند و در ازای آزادی ۶ میلیون تومان پول درخواست کرده بودند. ۲۴ ساعت نگذشته بود که متهمان با دریافت ۶ میلیون از خانواده ابوالفضل او را آزاد کردند و با به فرار گذاشتند.» وی با بیان این که اقدام دوم این باند آدم‌ربایی در ۱۸ تیرماه رخ داده است، اظهار داشت: «در نقشه دوم باند آدم‌ربایی به دلیل عدم درج آدرس باغ در روزنامه در ملاقات اول با فرد فروشنده متهمان اقدام به شناسایی باغ کرده و پس از ۲ روز شناسایی با شگرد قبلی با فروشنده قرار ملاقات گذاشته و وی را در باغ مورد ضرب‌وشتم شدید قرار داده و فرد را به محلی در شهر قدس منتقل کردند.» رئیس پلیس آگاهی استان البرز افزود: «در این مورد چون خانواده گروگان نتوانستند پول مورد نظر را فراهم کنند متهمان حدود ۲۰ میلیون از ابزار و لوازم یدکی داخل خودرو مرد گروگان را سرقت کرده و پس از ۴۸ ساعت او را رها کردند.» حمیدرضا گل‌صباحی رئیس پلیس آگاهی استان البرز به افرادی که قصد فروش املاک خود را دارند توصیه و تأکید کرد، خرید و فروش زمین و باغات خود را در املاک مجاز انجام داده و حتما هویت فرد خریدار را احراز کنند.

ذره بین

بن‌بست معمایی غواصان در ردیابی جسد دختر قایقران

شهروند| جست‌وجوی تیم‌های غواص و نیروهای دریایی استان گیلان برای پیدا کردن جسد دختر قایقران در مرداب انزلی بعد از گذشت ۶ روز با معمایی پیچیده روبه‌رو شد. غواصان و تیم‌های دریایی و همچنین خانواده این دختر جوان همچنان در انتظاری سخت و طولانی در اطراف مرداب انزلی به انتظار خبری از پیدا شدن جسد او هستند. وقتی شادی سرخیل عضو تیم قایقرانی استان گیلان برای تمرین به تالاب انزلی رفته بود قایقش واژگون شد و در چشم‌بر هم زدنی طعمه مرداب شد. صبح شنبه ۱۷ آبان ماه دختر ۲۱ ساله همراه ۱۱ عضو دیگر تیم کایاک با نظارت مربیانشان که در داخل دو قایق موتوری نشسته بودند وارد پیست قایقرانی تالاب انزلی شدند. تمرین‌شان آغاز شد و درحالی که یک‌هزار و ۵۰۰ متر پارو زده بودند ناگهان ورق برگشت. جریان آب کمی تند بود و به همین خاطر موج شدیدی در مرداب حرکت کرد و قایق ۲ قایقران واژگون شد. مربیان که نظاره‌گر این حادثه هولناک بودند بلافاصله وارد عمل شدند و خود را به قایقی که نزدیک تر بود رساندند و او را از آب بیرون آوردند. ۲۰ ثانیه طول کشید تا قایق موتوری خودش را به سمت قایق شادی برساند. اما دیگر کار از کار گذشته بود و شواهد ماجرا نشان می‌داد شادی طعمه آب‌های مرداب شده است. چند دقیقه بعد نیروهای امدادی هلال احمر و دریایی مرداب انزلی وارد مرداب شدند تا ردی از دختر گ قایقران به دست بیاورند. اما حالا ۶ روز از آغاز عملیات تیم‌های غواصی می‌گذرد و پیدا نشدن جسد شادی گره کوری را پیش روی تیم غواصی و دریایی قرار داده است. از روز دوشنبه ۶ گروه دو نفره غواص نیز وارد تالاب انزلی شدند اما همچنان جسد دختر گ قایقران در تالاب انزلی مفقود

است. امید عظیمیان مدیر روابط عمومی هلال احمر استان گیلان در رابطه با فرضیات پیچیده جسد گم شده دختر قایقران به «شهروند» گفت: «آب مرداب بسیار سرد بود و امکان دارد که این قایقران در همان لحظه افتادن به آب دچار گرفتگی عضلات و ایست قلبی شده. با این حال ۲ فرضیه در رابطه با پیدا نشدن جسد او پیش روی ما قرار دارد؛ یکی این که شاید جسدش در کف مرداب در میان گل و لای حبس شده باشد و یک فرضیه دیگر احتمال دارد جریان آب او را به سمت دریا برده باشد.»

آزیر

اعدام یک سارق مسلح در شیراز

مرد تبهکاری که در اجرای سرقت‌های سریالی خود جنایت خونینی را رقم زده بود، صبح دیروز به دار مجازات آویخته شد. وقتی مرد مسلح به نام مجید دستگیر شد کارآگاهان در بررسی‌های پلیسی متوجه شدند او با تشکیل باند به سرقت‌های سریالی دست زده است. این مرد در پرونده‌اش جنایت، مجروح کردن ۲ مرد با شلیک‌های اسلحه آدم‌ربایی، جعل عنوان و حمل و نگهداری و استفاده غیرمجاز از سلاح جنگی، شوکر، اسپری و دستبند را داشت. قاضی کیوش زارعی، معاون دادستان عمومی و انقلاب شیراز گفت: «این مجرم سابقه‌دار، آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه اتومبیل، سرقت مسلحانه از طلافروشی و قتل صاحب طلافروشی را در پرونده خود داشت که پس از رسیدگی در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شیراز به اتهام محاربه و افساد فی الارض به مجازات اعدام در ملاءعام محکوم شد.» سرپرست دادسرای انقلاب شیراز بیان این که اجرای این احکام درس عبرتی برای مخالان نظم و امنیت عمومی خواهد بود خاطرنشان کرد: «دستگاه قضایی با افرادی که امنیت جامعه را دستمایه اهداف شوم خود قرار می‌دهند برخورد قاطع و جدی خواهد داشت و امنیت عمومی مردم خط قرمز دستگاه قضایی است.»

«مهدی شیاس» در ملأعام گردانده شد

مهدی شیاس یکی از اراذل و اوباش سابقه‌دار شهرستان ری معروف به مهدی شاکول در شهرری چرخانده شد. سرهنگ خلیل شهبازی در گفت‌وگو با خبرنگار حوادث پایگاه خبرنگاران گفت: متهم شرور و سابقه‌دار منطقه دولت آباد، مهدی شیاس به اتهامات مشارکت در تخریب اموال عمومی و وسایل نقلیه متعدد و ایراد صدمه عمدی با چاقو و اختلال در نظم عمومی با ایجاد هیاهو و جنجال و حرکات غیرمتعارف، شرکت در سرقت و آزار و زورگیری توسط پایگاه نهم پلیس در محل‌های وقوع جرم به رویت همگان رسید. از تمامی شهروندان درخواست می‌شود جهت شناسایی وی به پایگاه پلیس امنیت‌وقع در شهرری مراجعه کنند.